

بازتاب مفهوم حدیثی «عاق والدین» در زبان فارسی؛ شواهد، زمینه‌ها و آثار

محمد جمال الدین خوش خاضع^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴ / ۰۲ / ۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴ / ۰۴ / ۰۱

چکیده

«عاق والدین» ترکیبی مذموم در احادیث اسلامی است. تفاوت دستور زبان فارسی و عربی و جایگاه والای والدین، سبب رواج کاربرد مستقیم این ترکیب در فارسی، به صورت اضافه معنوی به تقدیر لام و به معنای «نفرین والدین» شده است؛ در حالی که عاق (عاقق) اسم فاعلی است که به مفعول به خود، یعنی والدین اضافه لفظی شده و مانند اضافه معنوی، در آن، حرف لامی در تقدیر نیست که معنای مالکیت را برساند. در این مقاله برای نخستین بار با روشی توصیفی - تحلیلی، شواهد، زمینه‌ها و آثار برداشت نادرست از این ترکیب روایی بررسی شده است. براساس نتایج پژوهش، زمینه‌های شکل‌گیری انگاره‌های نادرست از مفهوم «عاق والدین» در زبان فارسی عبارت‌اند از: خلط توصیه‌های قرآن در مورد والدین با مفهوم روایی «عاق والدین»، باهم‌آیی واژه «عاق» با واژه «والدین» و کاربرد مستقیم آن در فارسی، بازنمایی انگاره «نفرین کردن» در داستان‌ها، ضرب‌المثل‌ها و اشعار، ترجمه غیردقیق «عاق» در فرهنگ‌های لغت فارسی، بی‌توجهی به معنای لغوی «عاق والدین» در زبان عربی و بی‌توجهی به قواعد ادبیات عرب. همچنین برداشت «نفرین والدین» از «عاق والدین» در زبان فارسی، ایشان را دارای قدرتی ویژه برای نفرین فرزندان معرفی کرده که هیچ اصلی در روایات نداشته، سبب آثار مخرب تربیتی شده است.

کلیدواژه‌ها: عاق والدین، پدر، مادر، فرزندان، نیکی.

۱. مقدمه

نیکی به پدر و مادر و پرهیز از اذیت و آزار آن‌ها توسط فرزندان، مورد تأکید ویژه قرآن و

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) (khoshkhazeh@isr.ikiu.ac.ir).

روایات اسلامی است؛ به گونه‌ای که خداوند متعال در قرآن کریم، احسان به والدین را در ردیف عدم شرک به خود قرار داده و از رساندن حتی کم‌ترین آزار به ایشان نهی کرده است.^۱ در روایات معصومین (علیهم‌السلام) نیز ضمن تأکید بر نیکی به والدین، از هرگونه اذیت و آزار آنان توسط فرزندان نهی شده است. «عاق والدین»، مفهومی روایی در این زمینه است که در روایات اسلامی در بافت نهی و مذمت مطرح و در انتقال به فرهنگ فارسی، دچار فراز و نشیب‌هایی شده است.

انتقال دقیق مفاهیم قرآنی و روایی از عربی به فارسی از اهمیت بالایی برخوردار است؛ اما گاه در مسیر این انتقال، مؤلفه‌هایی از این مفاهیم کاسته و یا به آن افزوده می‌شود که فهم و انتقال نادرست آن را به دنبال دارد. این معضل در مفاهیم اخلاقی نمود بیشتری داشته و از رویه‌هایی چون تسامح در ادله سنن در رشد بیمارگونه خود بهره برده است.

برداشت عامیانه و نادرست از مفاهیم روایی، اگر محدود به عامه مردم و در افواه عمومی باشد، با روشنگری اهالی علم و فرهنگ، قابل چاره‌جویی و اصلاح است؛ اما اگر در سطح متون علمی و تخصصی رخ دهد، خود سبب تقویت و بازنمایی آن در عامه مردم خواهد شد. در مورد موضوع «عاق والدین» و اهمیت آن، در کتاب‌های مختلف به ویژه کتب شرح حدیث، بحث شده است؛ اما برای مقاله حاضر، با توجه به رویکرد آسیب‌شناسانه آن، پیشینه‌ای موجود نیست. در این مقاله برای نخستین بار با روشی توصیفی - تحلیلی، شواهد، زمینه‌ها و آثار برداشت‌های مختلف از مفهوم روایی «عاق والدین» بررسی و به سؤالاتی از این قبیل پاسخ داده خواهد شد: آیا مفهوم روایی «عاق والدین» به طور دقیق در فرهنگ و زبان فارسی بازتاب داشته است؟ این مفهوم روایی در ترجمه از عربی به فارسی دچار چه آسیب‌هایی شده است؟ این آسیب‌ها در سطح عموم مردم رخ داده یا منشأ آن، متون تخصصی و روایی بوده است؟ زمینه‌های شکل‌گیری انگاره‌های عامیانه از مفهوم روایی «عاق والدین» چه بوده است؟ این انگاره‌ها چه آثار و پیامدهایی در فرهنگ عمومی و روابط خانوادگی داشته است؟

۲. برگردان‌های مفهوم «عاق والدین» در ترجمه متون روایی

مفهوم «عاق والدین» در متون فارسی، اعم از کتب اخلاقی و ترجمه متون روایی، بازتاب

۱. سوره اسراء، آیه ۲۳-۲۴

گسترده و متنوعی داشته و انتقال این مفهوم به زبان فارسی، غالباً با ترجمه‌هایی عامیانه و نادرست همراه بوده است.

در این میان، با تکیه بر ترجمه نادرست واژه «عاق» به نفرین، مصدرهای دویخشی چون عاق کردن، عاق شدن، عاق گشتن و ترکیب‌هایی چون مورد عاق پدر و مادر واقع شدن و عاق ناشناس ساخته شده است که در اصل عربی آن وجود ندارد. در ادامه براساس شواهدی متنوع، گونه‌های ترجمه مفهوم روایی «عاق والدین» در متون فارسی معرفی می‌شود: رایج‌ترین برگردان فارسی برای واژه عاق، نفرین بوده است. بنا بر دلایلی که در ادامه مقاله خواهد آمد، گویی مترجمان و مراجعه‌کنندگان به کتب روایی، براساس ترکیب فارسی «عاق والدین»، والدین را مالک چیزی به نام عاق فرض کرده‌اند که هرگاه بخواهند از آن در برابر فرزندان خود استفاده می‌کنند.

مسترحمی در انتهای روایتی از امام علی النقی (علیه السلام) از واژه عاق به معنای نفرین استفاده می‌کند:

سپس حضرت نوح به حام و یافث فرمود: خداوند قرار دهد فرزندان شما را بنده فرزندان سام تا روز قیامت؛ زیرا سام با من نیکی کرد و شما عملی را مرتکب شدید که سبب عاق من گردیدید. و (امیدوارم که) پیوسته علامت عاق من به شما در فرزندانان، و علامت نیکی سام به من در فرزندانان ظاهر و هویدا باشد تا قیامت.^۱

همچنین در ترجمه روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است که:

هر کس پدر و مادرش را غمگین سازد، به عاق آن‌ها گرفتار آید.^۲

استفاده از مصدر ساختگی عاق کردن به معنای نفرین کردن فرزندان توسط والدین، گونه‌ای از کاربرد این ترکیب در فارسی است که در ترجمه این دو روایت آمده است: عاق کردن، از دست دادن فرزندی است که نمرده است.^۳

گاهی والدین کسی از دنیا می‌رود و حال این‌که فرزند خود را عاق کرده‌اند، ولی او برایشان دعا می‌کند و خیرات برایشان می‌دهد، لذا از نیکوکاران نوشته می‌گردد.^۴

۱. علل الشرائع، ص ۸۱.

۲. سیره معصومان، ج ۶، ص ۸۲.

۳. الدرة الباهرة من الأصداف الطاهرة، ص ۴۳.

۴. إرشاد القلوب، ج ۱، ص ۵۰۱.

همچنین در داستان عامیانه «عاق والدین» جوانی که سلمان فارسی قبر او را شعله وراز آتش می بیند، خطاب به پیامبر ﷺ می گوید:

مادرم مرا نفرین و عاق کرد. من از هنگام مرگ تاکنون در آتش می سوزم.^۱

در نقل های مربوط به واقعه کربلا، مادر زعفر جنی پس از عاشورا خطاب به او می گوید:

چگونه فرزند زهرا علیها السلام را تنها گذاشتی و برگشتی؟! اگر هم اینک به یاری او بازنگردی، تو را عاق خواهم کرد.^۲

عاق کردن در متون فارسی به معنای آزار دادن یا قطع رابطه با والدین توسط فرزندان نیز به کار رفته است. فهری در ترجمه روایتی از ابی الصبّاح کنانی چنین آورده است:

در محضر امام صادق علیه السلام بودم که پیر مردی داخل شد و عرض کرد: فرزندانم مرا عاق کرده اند و [برادرانم] ستم بر من روا داشته اند.^۳

همچنین در ترجمه روایتی از پیامبر ﷺ در معرفی یکی از پانزده خصلتی که موجب گرفتار شدن امت به بلا خواهد شد، آمده است:

مردان از زنان اطاعت نمایند و مادران را عاق کنند.^۴

ترکیب دیگر در این زمینه، مورد عاق پدر و مادر واقع شدن است که به معنای مورد نفرین پدر و مادر واقع شدن به کار رفته است. در ترجمه روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله سه گروه معرفی شده اند که خداوند به آنان توجهی نمی کند:

کسی که به خاطر عمل نیکی، به دیگران منت گذارد، کسی که مورد خشم و عاق پدر و مادر واقع شود، و کسی که به می گساری پردازد.^۵

ترکیب غریب عاق ناشناس به معنای حق ناشناس نیز در ترجمه کمره ای از این روایت به کار رفته است:

۱. مدخل «زعفر جنی»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی.

۲. مدخل «عاق والدین»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی.

۳. الغیبة، ص ۳۷۶.

۴. مشکاة الانوار، ص ۸۳؛ حکمت نامه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، ج ۱۳، ص ۲۵۳.

۵. النوادر، ص ۱۶۹.

امام باقر (ع) فرمود: به راستی بنده‌ای نسبت به پدر و مادرش تا زنده‌اند خوش‌رفتار و حق‌شناس است، سپس بمیرند و او بدهکاری آن‌ها را نپردازد و برای آن‌ها آمرزش نخواهد و خدا او را عاق ناشناس بنویسد.^۱

برخی مترجمان هم در مواجهه با ترکیب «عاق والدین» در روایات، با تکرار عین عبارت عربی، از یافتن معادلی مناسب برای آن شانه خالی کرده‌اند^۲ که هر چند در ترجمه، پسندیده نیست، اما در مقام مقایسه، از ارائه معادل‌های نادرست و عامیانه پسندیده‌تر است. براساس شواهد بالا، در انتقال مفهوم روایی «عاق والدین» به فارسی، مصدراهای دو بخشی چون عاق کردن، عاق شدن، عاق گشتن و ترکیب‌هایی چون مورد عاق پدر و مادر واقع شدن و عاق ناشناس از ترکیب یک واژه عربی و یک واژه فارسی ساخته شده است که مفهومی جعلی از «عاق والدین» به دست می‌دهد که نه در عربی صحیح است و نه در فارسی. برای روشن شدن موضوع و درک مفهوم صحیح «عاق والدین» در روایات، در ادامه، کاربرد این مفهوم در روایات بررسی خواهد شد.

۳. کاربرد ریشه «ع ق ق» در روایات معصومین (ع)

در روایات معصومین (ع)، ریشه «ع ق ق» به صورت‌های اسم (اسم فاعل، مصدر) و فعل به کار رفته است که گزارشی از آن ارائه می‌شود:

عاق به عنوان اسم فاعل از ریشه «ع ق ق» به صورت‌های زیر در روایات آمده است:
 اضافه لفظی اسم فاعل بدون ال به مفعول به: عاقُّ والدیه.^۳
 اضافه لفظی اسم فاعل با ال به مفعول به: العاقُّ والدیه.^۴
 گرفتن مفعول به با واسطه حرف جرّ: العاقُّ بوالدیه،^۵ العاقُّ لوالدیه^۶ و العاقون للآباء.^۷
 بدون ذکر مفعول به: عاقُّ^۸ و العاقُّ.^۹

۱. أصول الكافي (ترجمه کمره‌ای)، ج ۴، ص ۴۸۳.

۲. أصول الكافي (ترجمه مصطفوی)، ج ۴، ص ۴۹-۵۰؛ مشکاة الانوار، ص ۱۴۹.

۳. الجعفریات، ص ۲۵۱؛ معدن الجواهر و ریاضة الخواطر، ص ۶۴.

۴. مجموعه ورام، ج ۲، ص ۷۸؛ بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۸۴.

۵. وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۳۴؛ جامع أحادیث الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۳۴.

۶. الكافي، ج ۲، ص ۳۴۸؛ قرب الاسناد، ص ۸۲.

۷. التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري (ع)، ص ۴۲۲؛ بحار الأنوار، ج ۱۷، ص ۲۷۳.

۸. الخصال (تصحیح غفاری)، ج ۱، ص ۲۰۳؛ الزهد، ص ۳۳.

۹. عیون أخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۲۸۶؛ غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۰۹.

عقوق، مصدر مشهور ریشه «ع ق ق» به صورت های زیر در روایات آمده است:
مصدر مضاف بدون ال: عُقُوقُهُمَا / عُقُوقِ وَلَدِهِمَا،^۱ عُقُوقِ الْوَالِدَيْنِ^۲ و عُقُوقِ ذَوِي الْأَرْحَامِ.^۳
مصدر با ال: الْعُقُوقِ.^۴

مصدر با ال به همراه حرف جرّ لام: الْعُقُوقِ لِلْآبَاءِ.^۵

مصدر با تنوین عوض از مضاف الیه: عُقُوقِ.^۶

و در آخر، از ریشه «ع ق ق» افعال زیر در روایات به کار رفته است:

فعل ماضی: عَقَّ وَالِدَيْهِ^۷ / عَقَّنِي^۸ / عَقَّوْا.^۹

فعل مضارع: لَمْ يَكُنْ يَعْقُ وَالِدَيْهِ / مَنْ يَعْقُ وَالِدَيْهِ.^{۱۰}

فعل مضارع مجهول به همراه حرف جرّ عن: يُعَقُّ عَنْهُ.^{۱۱}

این کاربرد ربطی به عقوق مورد بحث در این مقاله ندارد و در مورد قربانی کردن (عقیقه) برای نوزاد به کار رفته است.

با توجه به فراوانی باهم آیی اسم فاعل ریشه «ع ق ق» با واژه والدین، ترکیب «عاق والدین» از شهرت بیشتری برخوردار است، تا آنجا که اگر در روایات، مشتقات این ریشه، به صورت مطلق به کار رفته باشد، معنای «عاق والدین» از آن فهمیده می شود؛ ولی اگر منظور، غیر از والدین باشد، قید آن ذکر می شود.^{۱۲}

۴. مصادیق «عاق والدین» در روایات

در روایات معصومین (علیهم السلام) مواردی به عنوان مصادیق «عاق والدین» ذکر و از آن ها نهی شده است. بدیهی است با بررسی دقیق این موارد، می توان به انگاره مورد نظر روایات از «عاق

۱. مکارم الاخلاق، ص ۴۴۲؛ بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۵۸.

۲. اصول الکافی (ترجمه مصطفوی)، ج ۲، ص ۳۴۹.

۳. الصحيفة السجادية، ص ۹۴.

۴. صحيفة الامام الرضا، ص ۸۲؛ الکافی، ج ۲، ص ۳۴۸.

۵. الصحيفة السجادية، ص ۱۱۸.

۶. الکافی، ج ۶، ص ۵۰.

۷. صحيفة الامام الرضا، ص ۸۲.

۸. زاهد کیست؟ وظیفه اش چیست؟، ص ۴۰.

۹. الخصال (تصحیح غفاری)، ج ۲، ص ۳۶۴.

۱۰. زاهد کیست؟ وظیفه اش چیست؟، ص ۹۴.

۱۱. الکافی، ج ۶، ص ۲۶.

۱۲. برای نمونه رک: الخصال، ج ۱، ص ۲۹۳؛ الکافی، ج ۲، ص ۳۴۹.

والدین» دست یافت و از آن به عنوان دستمایه‌ای برای تحلیل زمینه‌ها و آثار برداشت نادرست و عامیانه از این مفهوم استفاده کرد.

مصادیق «عاق والدین» در روایات، یعنی کسی که ناسپاس، آزاردهنده و نافرمان نسبت به پدر و مادر و یا قطع‌کننده ارتباط با آن‌ها است، به این شرح است:

۱. فرزندی که بدون اذن والدین، روزه مستحبی بگیرد؛^۱
۲. فرزندی که بعد از مرگ والدین، دین آن‌ها را ادا نکرده و برای آن‌ها استغفار نکند؛^۲
۳. فرزندی که کم‌ترین اهانتی به پدر و مادر کند و تند و تیز و با خشم و کینه به والدین نگاه کند؛^۳

۴. فرزندی که پدر و مادر خود را غمگین سازد؛^۴
۵. فرزندی که موجب دشنام مردم برای پدر و مادرش شود؛^۵
۶. فرزندی که پدر یا مادر خود را به قتل برساند.^۶

همان‌طور که از روایات مصادیق «عاق والدین» برمی‌آید، عاق، فرزندی است که نسبت به پدر و مادر خود ناسپاس، آزاردهنده و نافرمان و یا قطع‌کننده ارتباط با آن‌ها باشد. به بیان دیگر، در هیچ یک از روایات، واژه عاق به معنای نفرین به کار نرفته است که با اضافه شدن به واژه والدین، به صورت «نفرین والدین» ترجمه شود.

در این‌جا این سؤال پیش می‌آید که علی‌رغم شفاف بودن مفهوم «عاق والدین» در روایات، چه زمینه‌هایی سبب آن شده است که انگاره نادرست و عامیانه از مفهوم «عاق والدین»، چه در افواه عمومی و چه در متون تخصصی، رایج باشد؟ در ادامه، این زمینه‌ها معرفی و بررسی خواهد شد.

۵. زمینه‌های شکل‌گیری انگاره‌های نادرست از مفهوم «عاق والدین»

۵-۱. خلط توصیه‌های قرآن در مورد والدین با مفهوم روایی «عاق والدین»

در قرآن کریم، نسبت به جایگاه پدر و مادر توجه ویژه‌ای شده است. در آیات ۸۳ سوره

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۵۵.

۲. زاهد کیست؟ وظیفه‌اش چیست؟، ص ۸۴.

۳. زاهد کیست؟ وظیفه‌اش چیست؟، ص ۹۵؛ الکافی، ج ۲، ص ۳۴۸-۳۴۹.

۴. الخصال (ترجمه کمره‌ای)، ج ۲، ص ۴۱۲.

۵. زاهد کیست؟ وظیفه‌اش چیست؟، ص ۹۴.

۶. الکافی، ج ۲، ص ۳۴۸.

بقره، ۳۶ سوره نساء، ۱۵۱ سوره انعام و ۲۳ سوره اسراء، دستور نیکی به پدر و مادر، در کنار نهی از شرک و پرستش غیر خداوند و دستور به پرستش او مطرح شده است.

خداوند در آیات ۸ سوره عنکبوت و ۱۴ و ۱۵ سوره لقمان، ضمن سفارش مجدد به نیکی به پدر و مادر، به فرزندان دستور می دهد که در زمینه شرک به خداوند از والدین اطاعت نکنند. در ادامه آیه ۱۵ این سوره، باز هم به فرزندان توصیه می کند که در دنیا حتی با والدین مشرک به گونه ای شایسته رفتار کنند.

در آیات ۲۳ و ۲۴ سوره اسراء، رفتار شایسته با والدین این گونه بیان شده است:

هرگاه یکی از آن دو، یا هر دوی آن ها، نزد تو به سن پیری رسند، کم ترین اهانتی به آن ها روا مدار! و بر آن ها فریاد مزن! و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگووارانه به آن ها بگو! و بال های تواضع خویش را از محبت و لطف، در برابر آنان فرو آر! و بگو: «پروردگارا، همان گونه که آن ها مرا در کوچکی تربیت کردند، مشمول رحمتشان قرار ده!».

در زمینه نحوه تأثیر این آیات در شکل گیری انگاره عامیانه از مفهوم روایی «عاق والدین»، می توان گفت: از یک سو بر اساس آیات مورد اشاره، والدین از جایگاهی ویژه نزد مسلمانان برخوردار هستند و از سوی دیگر، با توجه به این که ترکیب «عاق والدین» و مشتقات ریشه «ع ق» در قرآن به کار نرفته است. افراد در مواجهه با روایات نهی از «عاق والدین»، با نوعی خودکارشدگی ذهن، این دو مفهوم قرآنی و روایی را برهم منطبق کرده و در یک برداشت عامیانه، منطقی دانسته اند که در روایات، برای والدین - با این جایگاه والا نزد خداوند - حقی مانند نفرین در نظر گرفته شود. بنابراین، «عاق والدین» را به «نفرین والدین» ترجمه کرده اند.

در صورتی که علاوه بر نادرست بودن این ترجمه، به این نکته هم باید توجه داشت که در روایات اسلامی، علاوه بر حقوق والدین بر فرزندان، برای فرزندان هم حقوقی در نظر گرفته شده است که والدین باید آن ها را رعایت کنند. به عبارت دیگر، درست است که خداوند در قرآن کریم اهمیت ویژه ای برای والدین قائل شده است، اما در قرآن و روایات، برای فرزندان نیز حقوقی مطرح شده است که برای فهم بهتر مفاهیم، باید به آن ها هم توجه شود.

هرچند به دلیل محبت و دلسوزی غریزی والدین نسبت به فرزندان، به نظر می رسد به توصیه های کمتری در این زمینه نیاز باشد، اما روایات متعددی در زمینه حقوق فرزندان و نیکی والدین به ایشان ذیل عناوینی چون باب حق الاولاد، باب بر الاولاد و باب فضل الاولاد

از معصومین علیهم‌السلام نقل شده است که تفصیل آن، خارج از موضوع این مقاله است.^۱
تنها به عنوان نمونه، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در حکمی کلی می‌فرماید:

آنچه بر فرزندان در مورد پرهیز از عقوق نسبت به والدین الزامی است، در مورد فرزند صالح مؤمن نیز بر والدین الزامی است.^۲

یعنی از نظرایشان، در کنار لزوم پرهیز از عقوق والدین توسط فرزندان، والدین نیز باید از عقوق اولاد صالح مؤمن (آزردن و قطع رابطه با آن‌ها) پرهیز نمایند.

۲-۵. باهم‌آیی واژه «عاق» با واژه «والدین» و کاربریست مستقیم آن در فارسی

همان‌طور که بیان شد، با توجه به جایگاه ویژه والدین در دین اسلام، قرار گرفتن واژه عاق در کنار واژه والدین، آن هم در روایاتی در مقام تحذیر، زمینه مناسبی را برای برداشت انگاره «نفرتین کردن» از مفهوم روایی «عاق والدین» در فضای آشنای دستور زبان فارسی ایجاد کرده است.

این یافته وقتی بیشتر تأیید می‌شود که با بررسی برداشت از دو واژه عاق و والدین در کاربردهایی غیر از ترکیب اضافی مشهور «عاق والدین»، شاهد آسیب‌های کم‌تری در فهم و ترجمه هستیم. واژه عاق به معنای قطع‌کننده، آزاردهنده و نافرمان در متون مختلف متقدم و متأخر، در مورد غیروالدین نیز کاربرد داشته است.

همچنین با توسعه معنایی از نوع مجاز، گاهی والدین در معنایی غیر از پدر و مادری که فرد را به دنیا آورده‌اند به کار رفته است.

در فرهنگ اسلامی، با توسعه معنایی در مفهوم والدین، به رهبر آسمانی، معلم و پدرِ همسر نیز، پدر گفته می‌شود.^۳ در همین زمینه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:

أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ، فَعَلَى عَاقٍ وَالِدِيهِ لَعْنَةُ اللَّهِ.^۴

از امام صادق علیه‌السلام نیز نقل شده است که:

خداوند در قرآن، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را نسبت به مؤمنین از خودشان سزاوارتر و همسران ایشان را به عنوان مادران مؤمنین معرفی کرده است. بنابراین، مردم در مورد فرزندان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم عاق پیامبر شدند و نافرمانی مادرشان خدیجه را نمودند.^۵

۱. برای اطلاعات بیشتر، الکافی، ج ۶، ص ۴۸-۴۹؛ من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۸۱-۴۸۴.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۸۳.

۳. تفسیر نور، ج ۷، ص ۲۵۲.

۴. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۷۸.

۵. الخصال (۱۳۶۲)، ج ۲، ص ۳۶۴.

هم از ایشان منقول است که:

بدی و شومی زن، مهر زیاد و عاق بودن نسبت به شوهر است.^۱

به عنوان شاهی دیگر از کاربرد موشع واژه عاق، می‌توان به وقایع قبل از کربلا اشاره کرد که ابن‌زیاد، مسلم بن عقیل را با تعبیر «یا عاق» و «یا شاق» خطاب می‌کند.^۲ علاوه بر متون روایی، در متون متأخر و معاصر فارسی نیز کاربرد موشع تعبیر عاق برای غیروالدین قابل ردیابی است: ثقة‌الاسلام تبریزی یکی از علمای دوره مشروطه، در یکی از سخنرانی‌های خود خطاب به طرفداران خود می‌گوید:

هرکسی درباره من حرفی بزند و یکی از شماها بخواهید به او جواب بدهید عاق شده‌اید.^۳

منشی قزوینی در کاربرد دقیق واژه عاق این‌گونه می‌نویسد:

چون قزاق عاق عاصی بی‌فکر و مال، بی‌ادبی را از حد برد، معصوم‌بیک امیر دیوان صفوی مقرر شد که به خراسان رود و از روی عقل و تدبیر، او را به دست آرد.^۴

همان‌طور که مشاهده می‌شود، در کاربردهای موشع دو واژه عاق و والدین، عاق به معنای ناسپاس، آزاردهنده، قطع‌کننده و نافرمان، در مورد کسی استفاده می‌شود که این ویژگی را نسبت به افرادی غیر از والدین جسمی داشته باشد. برداشت از دو واژه عاق و والدین در کاربردهایی غیر از ترکیب اضافی مشهور «عاق والدین»، کمتر دچار آسیب‌های فهم و ترجمه شده است. توجه به کاربرد مفهوم موشع دو واژه عاق و والدین می‌تواند در فهم و ترجمه صحیح مفهوم روایی «عاق والدین» مؤثر باشد.

۳-۵. بازنمایی انگاره «نفرین کردن» در داستان‌ها، ضرب‌المثل‌ها و اشعار

یکی از زمینه‌های شکل‌گیری و تقویت انگاره نفرین کردن از مفهوم روایی «عاق والدین»، کاربرست آن در داستان‌ها، ضرب‌المثل‌ها و اشعار است که نمایاننده فرهنگ عامه و سبب تقویت و بازنمایی مفاهیم، میان عامه مردم هستند و به عنوان پیش‌فرض‌هایی سخت‌شده، در فرهنگ مردم تثبیت می‌شوند.

۱. مکارم الاخلاق، ص ۲۳۴.

۲. اللہوف علی قتلی الطفوف، ص ۵۶.

۳. مجموعه آثار قلمی ثقة الاسلام شهید تبریزی، ص ۳۲.

۴. جواهر الاخبار، ص ۲۲۳.

مفهوم «عاق والدین» بازتاب گسترده‌ای در داستان‌ها، ضرب‌المثل‌ها و اشعار عربی و فارسی داشته است که تفصیل همه آن‌ها خارج از اهداف این مقاله است. هدف این قسمت از مقاله، بیان تأثیر بازنمایی معنای «نفرین کردن توسط والدین» به عنوان معادل فارسی «عاق والدین» در داستان‌ها، ضرب‌المثل‌ها و اشعار فارسی است که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

یکی از داستان‌های ادب عامه، مثنوی «عاق والدین» با ۱۳۴ بیت، از سراینده‌ای ناشناس در دوره قاجار است که اصلی در آثار مکتوب ندارد.

داستان از این قرار است که روزی سلمان فارسی برای فاتحه‌خوانی به گورستان می‌رود و قبری می‌بیند که آتش از آن شعله می‌کشد. پس پیامبر ﷺ را آگاه می‌سازد. جوانی که در قبر در حال سوختن است، خطاب به پیامبر ﷺ می‌گوید: من عاشق دختری یهودی بودم و با او ازدواج کردم؛ اما با فتنه‌انگیزی او، مادرم را در تنور انداختم. مادرم مرا نفرین و عاق کرد. من از هنگام مرگ تا کنون در آتش می‌سوزم. پیامبر ﷺ مادر پیر او را احضار می‌کند تا جوان را ببخشد؛ اما پیرزن شفاعت پیامبر ﷺ را نمی‌پذیرد و از خدا می‌خواهد عذاب جوان را افزون کند. بار دیگر، حضرت فاطمه و امام حسن (علیه السلام) شفاعت جوان را نزد مادرش می‌کنند، اما مادر نمی‌پذیرد. سرانجام، مادر با شفاعت امام حسین (علیه السلام)، به پاس شهادت غریبانۀ او در کربلا، فرزند را می‌بخشد.

بر اساس این داستان، تعزیه‌نامه‌ای نیز ساخته شده بود که تعزیه‌خوانان اجرا می‌کردند. پرده‌خوانان نیز این داستان را با استفاده از پرده می‌خواندند.^۱

صرف نظر از مستند نبودن این داستان، روشن است که ساخته و پرداخته کردن داستانی این چنین از قول سلمان فارسی - که ایرانی است - آن هم در بستر واقعه عاشورا - که جایگاهی بی‌نظیر نزد مردم ایران دارد - چه تأثیر ویژه‌ای در تثبیت معنای نفرین کردن، برای مفهوم روایی «عاق والدین» داشته و دارد؛ علاوه بر آن که شخصیت منفی این داستان، دختری یهودی است.

نمونه دیگر، مثل معروف «اگر تو مرا عاق کردی، من هم تو را عوق می‌کنم» است که داستان آن از این قرار است:

پدری پسر را می‌گفت: اگر گفته‌های من فرمان نکنی، تو را عاق کنم. پسر جواب داد: من

۱. مدخل «عاق والدین»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی.

نیز در عوض تورا عوق سازم. پدر پرسید: عوق چگونه باشد؟ گفت: شبانگاه بر آستانه مساجد و حمام‌ها پلیدی کنم و شبگیر. چون مسلمانان بدین دو جای آمد و شد کنند، کفش و جامه‌شان بیالاید و بر پدر مرتکب، لعن فرستند.^۱

ترکیب «عاق والدین» در اشعار نیز با زتاب گسترده‌ای داشته است که از باب اختصار تنها به این بیت از ادیب الممالک در اندرز احزاب سیاسی به اتحاد و ترک اختلاف، اکتفا می‌شود:

پسران را که ناخلف باشند بری از ارث کرده عاق کنید^۲

۴-۵. ترجمه «عاق» در فرهنگ‌های لغت فارسی

یکی دیگر از مراجع مورد اعتماد مترجمان و عموم مردم، فرهنگ‌های لغت فارسی هستند. بنابراین، هر نوع عدم دقت در بیان معانی واژگان در فرهنگ‌های لغت، تأثیری دو چندان در فهم نادرست واژگان و متون دارد. این موضوع در مورد واژه عاق رخ داده است؛ به گونه‌ای که در لغت‌نامه‌های فارسی، ذیل واژه عاق، معانی ناخوش‌دارنده، آزاردهنده پدر و مادر، نافرمان و سرکش با مادر و پدر به صورت اسم فاعل مطرح شده است؛^۳ اما در لغت‌نامه دهخدا - که مهم‌ترین و مفصل‌ترین فرهنگ لغت فارسی است - ذیل واژه زبهر (معادل فارسی عاق از نظر دهخدا) عاق را به صورت مصدری و به معنای بی‌زاری پدر و مادر از فرزند معنا می‌کند که علاوه بر تفاوت صرفی اسم فاعل و مصدر، بین دو معنا تناقض وجود دارد.

در معنای دوم، واژه عاق، مربوط به کنش والدین نسبت به فرزندان است، نه کنش فرزندان نسبت به والدین.

نیز در این فرهنگ، زبهر کردن، معادل عاق کردن یا عاق ساختن به معنای بی‌زار شدن پدر و مادر از فرزندان آمده است.^۴

در این انگاره، برخلاف انگاره «عاق والدین» در روایات معصومین (علیهم‌السلام)، این پدر و مادر هستند که عاق می‌کنند یا عاق می‌سازند و فرزندان در این زمینه منفعل هستند. بدیهی است که آشفتگی و عدم دقت فرهنگ‌های لغت در بیان معنای واژه عاق، با قید افزایش، به متون دیگر هم سرایت کند؛ هر چند خود این فرهنگ‌ها هم از متون قبلی تأثیر پذیرفته‌اند.

۱. امثال و حکم، ج ۱، ص ۱۹۸.

۲. دیوان کامل ادیب الممالک، ج ۱، ص ۴۸۷.

۳. لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۰، ص ۱۵۶۶۵؛ فرهنگ فارسی معین، ج ۱، ص ۱۰۴۴؛ فرهنگ فارسی عمید، ص ۷۵۲.

۴. لغت‌نامه دهخدا، ج ۸، ص ۱۲۶۹۵.

البته ممکن است میزان تأثیر این عامل نسبت به عوامل دیگر، کمتر باشد؛ علاوه بر آن که برخی معتقدند فرهنگ‌های فارسی، معنای واژگان گویشوران زبان را بیان می‌کنند که ممکن است شامل ترجمه‌های نادرست از زبان‌های دیگر، اما رایج در میان مردم هم باشد. بر این اساس می‌توان تأثیری دو سویه برای فرهنگ‌های لغت و معنای رایج در میان مردم در نظر گرفت.

۵-۵. بی‌توجهی به معنای لغوی «عاق والدین» در زبان عربی

دو واژه عاق و والدین، واژگانی عربی هستند و بدیهی است که برای فهم معنای آن‌ها باید به فرهنگ‌های لغت عربی مراجعه شود؛ اما ظاهراً به دلیل رواج کاربرد مستقیم ترکیب روایی «عاق والدین» در فارسی، نوعی توهم فهم و احساس استغنا از مراجعه به فرهنگ‌های لغت عربی در این زمینه به وجود آمده و «عاق والدین» به معنای نفرین والدین مورد پذیرش قرار گرفته است.

بدیهی است عموم مردم برای فهم قرآن و به ویژه روایات، توانایی علمی مراجعه مستقیم به منابع ندارند و آنچه را از زبان و عَظا و مَبْلَغان دینی می‌شنوند و یا در نوشته‌های بزرگان دینی می‌خوانند می‌پذیرند. به کارگیری نادقیق اصطلاحات و مفاهیم، توسط و عَظا و بزرگان دینی علاوه بر اشکال علمی و محتوایی، سبب بازنمایی بیش از پیش آن در میان عموم مردم می‌شود. به عنوان نمونه، آیه الله مظاهری در توصیه‌ای اخلاقی به والدین، ضمن توصیه به آن‌ها در برابر بدرفتاری فرزندان چنین می‌نویسد:

اگر خدای نکرده نفرین کنی، نفرینت می‌گیرد؛ اما دمار خودت را هم در می‌آورد... اما مادری که پسر یا دخترش را عاق کند، و پدری که این چنین کند، هر دو باید دست هم را بگیرند و به جهنم بروند.^۱

در حالی که با مراجعه به منابع لغت عربی، در می‌یابیم که واژه عاق (عاقق برون فاعل) در لغت، از ریشه مضاعف «ع ق ق» به معنای قطع‌کننده و پاره‌کننده است.^۲ این ریشه، متعدی است و عَقَّ الرَّجُلُ وَالِدِيَه یعنی به پدر و مادرش بدی کرد^۳ و با آن‌ها قطع رابطه کرد^۴ و نسبت به آن‌ها نافرمانی کرد.^۵

۱. اخلاق و خودسازی در مکتب قرآن و اهل بیت (ع)، ص ۲۶۴.

۲. کتاب العین، ج ۱، ص ۶۲.

۳. جمهرة اللغة، ج ۱، ص ۱۵۵.

۴. تهذیب اللغة، ج ۱، ص ۴۸.

۵. لسان العرب، ج ۱۰، ص ۲۵۵.

این ریشه دارای سه مصدر عَقَّاً و عَقُّوقاً و مَعَقَّةً بوده و علاوه بر عاق، واژه‌های عَقَّق، عَقَّق و عَقَّ هم معنای اسم فاعلی دارند و جمع آن‌ها عَقَقَّة است.^۱

البته از این ریشه برای آزدن و قطع رابطه با ارحام و خویشاوندانی غیر از والدین^۲ و حتی برای افراد یک قوم و قبیله نیز استفاده می‌شود. برای نمونه، ابوسفیان در جنگ احد خطاب به جنازه حمزه سید الشهداء می‌گوید: ذق عَقَّقُ: یعنی ای کسی که از خویشان خود بریدی و با پدران مخالفت کردی، جزای آنچه را در بدر انجام دادی بجش.^۳

عَقَّق معدول از عاق با هدف مبالغه است.^۴ موی سرنوزاد را چون بعد از تولد می‌تراشند، عَقِيقَةُ و عَقِیق و عَقَّة نامیده‌اند.^۵ نیز گوسفندی را که به یمن تولد فرزند ذبح می‌کنند، به این دلیل که هنگام ذبح آن، موهای سرنوزاد را می‌تراشند^۶ و یا این که گلوی آن را قطع می‌کنند و می‌بُرند، عقیقه می‌نامند.^۷

همان‌طور که مشاهده می‌شود، در هیچ یک از کتاب‌های لغت عربی، برای هیچ یک از مشتقات ریشه «ع ق ق» معنای نفرین مطرح نشده و با مراجعه به منابع لغوی در موارد مشابه می‌توان از برداشت نادرست از مفاهیم قرآنی و روایی جلوگیری کرد.

۵-۶. بی‌توجهی به قواعد ادبیات عرب

نقطه شروع شکل‌گیری انگاره نادرست از ترکیب اضافی «عاق والدین»، عدم دقت در تفاوت‌های دستوری زبان فارسی و عربی و تعیین نوع اضافه در این ترکیب است. برخی تصور کرده‌اند که این ترکیب، ترکیب اضافه معنوی به تقدیر لام، مانند ترکیب «کتاب علی» است^۸ و «عاق والدین» را به صورت اضافه معنوی در عربی، یعنی «عاق لوالدین» و یا به تعبیر فارسی «عاقی که مال والدین» است، فهمیده‌اند. بدین ترتیب، در این انگاره نادرست مشهور، والدین مالک چیزی به عنوان عاق هستند.

۱. همان، ۱۰: ۲۵۵.

۲. معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۵.

۳. کتاب العین، ج ۱، ص ۶۴؛ تهذیب اللغة، ج ۱، ص ۴۸.

۴. النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، ج ۳، ص ۲۷۶.

۵. الصحاح، ج ۴، ص ۱۵۲۷.

۶. تهذیب اللغة، ج ۱، ص ۴۷.

۷. النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، ج ۳، ص ۲۷۶.

۸. مبادئ العربية فی الصرف و النحو، ج ۴، ص ۳۳۲.

در گام بعدی، براساس نوعی مهندسی معکوس، به دنبال چیزی شده‌اند که والدین بتوانند مالک و صاحب اختیار آن باشند. در ادامه با توجه به توصیه‌های قرآن و روایات در مورد نیکی به پدر و مادر و فضای روایات «عاق والدین» - که مملو از توبیخ نسبت به آن است - نتیجه گرفته‌اند که عاق باید چیزی مانند نفرین باشد که والدین بتوانند حق آن را در اختیار داشته و هروقت خواستند از این حق استفاده کنند.

در حالی که اساساً ترکیب «عاق والدین»، ترکیبی اضافی از نوع لفظی است و هیچ ارتباطی با اضافه معنوی - که منشأ انگاره نادرست مشهور از این ترکیب است - ندارد.

عاق (عاقق) اسم فاعل از ریشه مضاعف «ع ق ق» است که به مفعول به خود، یعنی والدین اضافه شده است. بنا بر قواعد ادبیات عرب، اسم فاعل می‌تواند مانند فعل خود، فاعل و - در صورت متعدی بودن - مفعول به بگیرد. نیز اسم فاعل می‌تواند به مفعول به خود اضافه شود؛^۱ منتها این نوع اضافه را از آن رو اضافه لفظیه نامیده‌اند که تنها برای تخفیف لفظ و حذف تنوین از اسم فاعل به کار رفته و مانند اضافه معنویه، حذف تنوین در مضاف، برای کسب تعریف یا تخصیص نبوده و در آن حرف جرّی در تقدیر نیست.^۲

۶. آثار انگاره نادرست از مفهوم روایی «عاق والدین»

همان طور که بیان شد، «عاق والدین» به معنای فرزند ناسپاس، آزاردهنده، نافرمان و قطع‌کننده ارتباط با والدین خود است. توجه به معنای درست این اصطلاح، اشکالات موجود در این زمینه را برطرف می‌کند؛ اما انگاره «نفرین کردن فرزند توسط پدر یا مادر» از اصطلاح «عاق والدین» آثار سوئی را به دنبال داشته و دارد.

این نوع برداشت، حقی برای والدین ایجاد می‌کند که تناسبی با سایر آموزه‌های اسلامی ندارد. براساس این انگاره، به فرزندی که نسبت به والدین خود ناسپاس باشد و آن‌ها را بیازارد؛ اما والدین او را نفرین نکنند، اشکالی وارد نیست.

انگاره «نفرین کردن توسط والدین» یا «از ارث محروم کردن» از مفهوم روایی «عاق والدین»، روابط اجتماعی مطلوب از نظر روایات اسلامی را دچار خلل می‌سازد. این انگاره عامیانه و نادرست از یک ترکیب به کار رفته در روایات، گفتمانی را ایجاد می‌کند که در آن،

۱. همان، ج ۴، ص ۲۴۸-۲۴۹.

۲. همان، ج ۴، ص ۳۳۱.

برای والدین نوعی حق ویژه در نظر گرفته می‌شود. در این گفتمان، فرزندان نیز پذیرفته‌اند که باید از ترس و برای در امان ماندن از نفرین والدین، به هر نحوی شده آن‌ها را راضی نگاه دارند. در حالی که در گفتمان برآمده از قرآن و روایات، هریک از والدین و فرزندان محترم‌اند و اگر فرزندان سعی می‌کنند با تمام وجود نسبت به والدین نیکی و احسان داشته باشند، به دلیل قدردانی از زحمات ایشان و عمل به دستورات قرآنی و روایی در این زمینه است، نه ترس از نفرین ایشان.

علاوه بر آثار سوء عقوبت والدین از لحظه جان دادن تا عدم ورود به بهشت و وعده آتش و عذاب^۱ این گناه از گناهانی است که عقوبت آن منحصر در آخرت نبوده و «عاق والدین» در همین دنیا آثار سوء کار خود را می‌بیند.^۲

همچنین در فرهنگ اسلامی، آثاری فقهی همچون عدم قبولی روزه^۳ و از دست دادن عدالت برای شهادت و امامت جماعت^۴ برای «عاق والدین» ذکر شده است. حال اگر انگاره نادرست و عامیانه از مفهوم روایی «عاق والدین»، یعنی «نفرین والدین» مدّ نظر باشد، تمام این آثار برای فردی در نظر گرفته می‌شود که والدینش او را نفرین کرده باشند.

از طرفی برخی آثار برای «عاق والدین» در افواه عمومی شایع است که خود از آثار انگاره نادرست در این زمینه است. یکی از شواهدی که به روشنی حضور گفتمان حاصل از برداشت نادرست از مفهوم روایی «عاق والدین» را در میان عامّه مردم اثبات می‌کند، سؤالاتی است که در قالب سؤالات شرعی می‌پرسند تا گذشته از بحث‌های نظری، تکلیف عملی خود را در این زمینه بدانند. صرف نظر از پاسخ‌های مراجع و بزرگان دینی به این سؤالات - که موضوع این مقاله نیست - خود سؤالات، نمایاننده تلقی عمومی از مفهوم روایی «عاق والدین» است؛ علاوه بر آن که در متن سؤالات، برخی آثار، مانند محروم شدن از ارث، برای «عاق والدین» فرض گرفته شده است که هیچ پایه و اساس قرآنی و روایی ندارد؛ اما حاکی از انگاره عموم مردم از مفهوم روایی «عاق والدین» است. برخی استفتائات از این قرار هستند:

۱. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، ص ۱۷۶؛ الکافی، ج ۲، ص ۳۴۸-۳۴۹.

۲. مجموعه وزام، ج ۲، ص ۷۸.

۳. دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۲۶۸.

۴. لوامع صاحبقرانی، ج ۴، ص ۳۹۷-۳۹۸.

شخصی در ایام حیات پدر عاق او شده، آیا بعد از وفات پدر ورثه می‌توانند که او را از ارث محروم نمایند؟^۱

هرگاه میان مادر و فرزند کج‌خلقی اتفاق بیفتد و مادر به فرزند بگوید: تو را عاق کردم، و فرزند به مادر بگوید که: من از آن خدایی که مرا به سبب مثل تو مادری عذاب کند یا نیامرزد گذشتم، بعد مادر بگوید: که جناب پیغمبر ﷺ شفاعت تو را نکند، و فرزند بگوید: از آن پیغمبری که به حرف تو باشد هم گذشتم، آیا فرزند با گفتن این عبارت، مرتد می‌شود و عقد زوجه منفسخ می‌گردد یا نه؟^۲ آیا اولاد می‌توانند پدر و مادر خود را عاق کنند؟^۳

اگر مادری به پسرش بگوید که همسرش را طلاق دهد و آلا او عاق است و شیری که به او داده است، حرام می‌کند، تکلیف پسر چیست؟^۴

پدر این‌جانب با ازدواج من مخالف است و می‌گوید همسرت را طلاق بده و آلا تو را عاق می‌کنم و از ارث محروم می‌کنم و این در حالی است که من چند فرزند دارم و نمی‌توانم زنم را طلاق دهم. آیا واجب است سخن پدر خود را اطاعت کنم؟ و در صورت مخالفت آیا عاق پدر می‌شوم؟^۵

روشن است که این سؤالات، نشان‌دهنده تلقی عامیانه از مفهوم روایی «عاق والدین» و تأثیر عملی آن در روابط خانوادگی است؛ مانند آن‌که در برخی منابع، یکی از شروط عدالت برای شهادت را عاق نبودن شاهد مطرح کرده‌اند^۶ که انگاره نادرست از مفهوم روایی «عاق والدین» تأثیر عملی روشنی در رد یا تأیید شهادت خواهد داشت.

نتیجه‌گیری

۱. انتقال دقیق مفاهیم قرآنی و حدیثی از عربی به فارسی از اهمیت بالایی برخوردار است؛ اما گاه در مسیر این انتقال، مؤلفه‌هایی از این مفاهیم کاسته و یا به آن افزوده می‌شود

۱. مقام الفضل، ج ۱، ص ۴۰۳-۴۰۴.

۲. رسائل و مسائل، ج ۱، ص ۳۹۸.

۳. استفتاءات، ج ۱، ص ۵۱۲.

۴. صراط النجاة، ج ۶، ص ۲۵۷.

۵. جامع المسائل، ج ۲، ص ۳۹۲.

۶. جامع عباسی، ج ۸۲۱.

که فهم و انتقال نادرست آن را به دنبال دارد. «عاق والدین»، مفهومی حدیثی در این زمینه است که در احادیث اسلامی در بافت نهی و مذمت مطرح شده و در انتقال به فرهنگ فارسی، دچار فراز و نشیب‌هایی شده است.

۲. رایج‌ترین برگردان فارسی برای واژه عاق، نفرین بوده است. در این میان، با تکیه بر ترجمه نادرست واژه «عاق» به نفرین، مصدرهای دو بخشی چون عاق کردن، عاق شدن و ترکیب‌هایی چون مورد عاق پدر و مادر واقع شدن و عاق ناشناس ساخته شده است که در اصل عربی آن وجود ندارد.

۳. این در حالی است که با بررسی کاربرد ریشه «ع ق ق» در احادیث معصومین (علیهم‌السلام)، درمی‌یابیم که «عاق والدین»، فرزندی است که نسبت به پدر و مادر خود ناسپاس، آزاردهنده و نافرمان و یا قطع‌کننده ارتباط با آن‌ها باشد. به بیان دیگر، در هیچ یک از احادیث، واژه عاق به معنای نفرین به کار نرفته است که با اضافه شدن به واژه والدین، به صورت «نفرین والدین» ترجمه شود.

۴. زمینه‌های شکل‌گیری انگاره‌های نادرست از مفهوم «عاق والدین»، عبارت‌اند از: خلط توصیه‌های قرآن در مورد والدین با مفهوم حدیثی «عاق والدین»؛ فراوانی باهم‌آیی واژه «عاق» با واژه «والدین» و کاربرست مستقیم آن در فارسی؛ بازنمایی انگاره نفرین کردن در داستان‌ها، ضرب‌المثل‌ها و اشعار؛ آشفتگی و عدم دقت در فرهنگ‌های لغت فارسی؛ بی‌توجهی به معنای لغوی «عاق والدین» در زبان عربی؛ بی‌توجهی به قواعد ادبیات عرب.

۵. یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد انگاره نادرست از ترکیب اضافی «عاق والدین»، عدم دقت در تفاوت‌های دستوری زبان فارسی و عربی و تعیین نوع اضافه در این ترکیب است. ترکیب «عاق والدین»، ترکیبی اضافی از نوع لفظی است و هیچ ارتباطی با اضافه معنوی - که منشأ انگاره نادرست مشهور از این ترکیب است - ندارد.

عاق (عاقق) اسم فاعل از ریشه مضاعف «ع ق ق» است که به مفعول به خود، یعنی والدین اضافه شده و حذف تنوین از مضاف، تنها برای تخفیف لفظ است، نه کسب تعریف یا تخصیص و در آن حرف جرّی در تقدیر نیست.

۶. انگاره «نفرین کردن توسط والدین» یا «ازارث محروم کردن» از مفهوم حدیثی «عاق والدین»، روابط اجتماعی مطلوب از نظر احادیث اسلامی را دچار خلل می‌سازد. این برداشت عامیانه و نادرست از یک ترکیب به کار رفته در احادیث، گفتمانی را ایجاد می‌کند

که در این گفتمان، والدین نوعی حق ویژه دارند که نسبت به آن پاسخ‌گو نیستند. در این گفتمان، فرزندان هم پذیرفته‌اند که باید از ترس و برای در امان ماندن از نفرین والدین، به هر نحوی شده آن‌ها را راضی نگاه دارند؛ در حالی که در گفتمان برآمده از قرآن و احادیث، هریک از والدین و فرزندان محترم‌اند و اگر فرزندان سعی می‌کنند با تمام وجود نسبت به والدین نیکی و احسان داشته باشند، به دلیل قدردانی از زحمات ایشان و عمل به دستورات قرآنی و حدیثی در این زمینه است، نه ترس از نفرین ایشان.

کتابنامه

- قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۳ ش.
- اخلاق و خودسازی در مکتب قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام، حسین مظاهری، تهران، پیام آزادی، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
- إرشاد القلوب، حسن بن محمد دیلمی، ترجمه: علی سلگی نهاوندی، قم، ناصر، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
- استفتاءات، جواد تبریزی، قم، سرور، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.
- أصول الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ترجمه: محمد باقر کمره‌ای، قم، اسوه، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش.
- أصول الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ترجمه: سید جواد مصطفوی، تهران، کتاب فروشی علمیه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۹ ش.
- امثال و حکم، علی اکبر دهخدا، تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۸۳ ق.
- بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار ائمة الاطهار، محمد باقر مجلسی، تحقیق: جمعی از محققان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
- البرهان فی تفسیر القرآن، هاشم بن سلیمان بحرانی، تحقیق: واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، قم، موسسه البعثة، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
- صحیفة الإمام الرضا علیه‌السلام، تحقیق و تصحیح: محمد مهدی نجف، مشهد، کنگره جهانی امام رضا علیه‌السلام، چاپ اول، ۱۴۰۶ ق.
- التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری علیه‌السلام، تحقیق و تصحیح: مدرسه امام مهدی علیه‌السلام، قم، مدرسه الإمام المهدی علیه‌السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.

- تفسیر نور، محسن قرائتی، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.
- وسائل الشیعة، محمد بن حسن شیخ حر عاملی، تحقیق و تصحیح: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
- التمثیل و المحاضرة، عبدالملک بن محمد ثعالبی، بیروت، دار و مكتبة الهلال، چاپ اول، ۲۰۰۳ م.
- تهذیب اللغة، محمد بن احمد ازهری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق.
- جامع أحادیث الشیعة، آقا حسین بروجردی، تحقیق و تصحیح: جمعی از محققان، تهران، انتشارات فرهنگ سبز، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
- جامع المسائل، محمد فاضل موحدی لنکرانی، قم، امیر قلم، چاپ اول، ۱۴۲۵ ق.
- جامع عباسی، محمد بن حسین شیخ بهایی، حاشیه: جمعی از علما، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
- الجعفریات (الأشعثیات)، محمد بن محم ابن اشعث، تهران، مكتبة النینوی الحديثة، چاپ اول، بی تا.
- جمهرة اللغة، محمد بن حسن ابن درید، بیروت، دار العلم للملایین، چاپ اول، ۱۹۸۸ م.
- جواهر الأخبار، بوداق منشی قزوینی، تصحیح و تعلیق: محسن بهرام‌نژاد، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.
- حکمت‌نامه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، محمد محمدی ری شهری، ترجمه: گروه مترجمان، قم، دار الحدیث، چاپ اول، ۱۳۸۷ ش.
- الخصال، محمد بن علی ابن بابویه، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۶۲ ش.
- الخصال، محمد بن علی ابن بابویه، ترجمه: محمد باقر کمره‌ای، تهران، کتابچی، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
- الدرة الباهرة من الأصداف الطاهرة، شمس الدین محمد بن مکی، ترجمه و تحقیق: عبد الهادی مسعودی، قم، زائر، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.
- دعائم الإسلام، نعمان بن محمد مغربی ابن حیون، تحقیق: آصف فیضی، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ق.
- دیوان کامل، محمد صادق ادیب‌الممالک، به کوشش: مجتبی برزآبادی فراهانی، تهران،

فردوس، چاپ اول، ۱۳۸۰ش.

رسائل و مسائل، احمد بن محمد مهدی نراقی، گردآورنده: رضا استادی، قم، کنگره بزرگداشت محققان ملامهدی و ملا احمد نراقی، چاپ اول، ۱۳۸۰ش.

زاهد کیست؟ وظیفه‌اش چیست؟ (ترجمه الزهد)، حسین بن سعید کوفی اهوازی، ترجمه و تحقیق: صالحی، عبد الله، قم، نور السجاد، چاپ اول، ۱۳۸۷ش.

«زعفر جتئی»، علی بالایی لنگرودی، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.

الزهد، حسین بن سعید کوفی اهوازی، تحقیق: غلامرضا عرفانیان یزدی، قم، المطبعة العلمية، چاپ دوم، ۱۴۰۲ق.

سیره معصومان، سید محسن امین عاملی، ترجمه: علی حجتی کرمانی، تهران، سروش، چاپ دوم، ۱۳۷۶ش.

الصالح: تاج اللغة و صحاح العربية، اسماعیل بن حماد جوهری، تحقیق: احمد عبد الغفور عطار، بیروت، دار العلم للملایین، چاپ اول، ۱۳۷۶ق.

الصحيفة السجادية، علی بن الحسین امام سجاد علیه السلام، قم، الهادی، چاپ اول، ۱۳۷۶ش.

صراط النجاة، آقا حسین بروجرودی، قم، دار الصديقة الشهيدة (س)، چاپ اول، ۱۳۹۱ش.

«عاق والدین»، زهرا محققیان، دانشنامه جهان اسلام، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۱ش.

«عاق والدین»، حسن ذوالفقاری، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۶، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.

علل الشرائع، محمد بن علی ابن بابویه، ترجمه: هدایت الله مسترحمی، تهران، کتابفروشی مصطفوی، چاپ ششم، ۱۳۶۶ش.

عیون أخبار الرضا علیه السلام، محمد بن علی ابن بابویه، تحقیق: مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان، چاپ اول، ۱۳۸۷ق.

غرر الحکم و درر الکلم، عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، تحقیق و تصحیح: سید مهدی رجائی، قم، دار الکتاب الإسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.

الغیبة، محمد بن ابراهیم نعمانی، ترجمه: احمد فهري زنجانی، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۳۶۲ش.

- فرهنگ فارسی، حسن عمید، ویراستار: عزیزالله علیزاده، تهران، راه رشد، چاپ اول، ۱۳۸۹ش.
- فرهنگ فارسی، محمد معین، گردآورنده: عزیزالله علیزاده، تهران، آدنا، چاپ چهارم، ۱۳۸۱ش.
- قرب الإسناد، عبد الله بن جعفر حمیری، تحقیق و تصحیح: مؤسسة آل البيت علیه السلام، قم، مؤسسة آل البيت علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- کتاب العین، خلیل بن احمد فراهیدی، قم، نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
- لسان العرب، محمد بن مکرم ابن منظور، بیروت، دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
- لغت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷ش.
- لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه، محمد تقی مجلسی، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
- اللہوف علی قتلی الطفوف، سید علی بن موسی ابن طاووس، تهران، جهان، چاپ اول، ۱۳۴۸ش.
- مبادی العربیة فی الصرف و النحو، رشید شرتونی، قم، دارالعلم، چاپ سوم، ۱۳۸۷ش.
- مجموعه وژام، مسعود بن عیسی وژام بن أبی فراس، قم، مکتبه فقیه، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
- مجموعه آثار قلمی ثقة الاسلام شهید تبریزی، علی بن موسی ثقة الاسلام تبریزی، به کوشش: نصرت الله فتحی، تهران، انجمن آثار ملی، چاپ اول، ۱۳۵۵ش.
- محاضرات الأدباء و محاورات الشعراء و البلغاء، حسین بن محمد راغب اصفهانی، تحقیق: عمر فاروق طباع، بیروت، دار الأرقم بن أبی الأرقم، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، حسین بن محمد تقی نوری، قم، مؤسسة آل البيت علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
- مشکاة الأنوار، علی بن حسن طبرسی، ترجمه: عزیزالله عطاردی قوچانی، تهران، عطارد، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.
- معجم مقاییس اللغة، احمد بن فارس، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.

- معدن الجواهر و رياضة الخواطر، محمد بن علی کراجکی، تحقیق: احمد حسینی، چاپ دوم، تهران، المكتبة المرتضوية، ۱۳۵۳ ش.
- مقام الفضل، آقا محمد علی کرمانشاهی، قم، مؤسسة العلامة المجدد الوحيد البهبهانی، ۱۴۲۱ ق.
- مکارم الأخلاق، حسن بن فضل طبرسی، قم، الشریف الرضی، چاپ چهارم، ۱۳۷۰ ش.
- من لا يحضره الفقيه، محمد بن علی ابن بابویه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.
- النوادر، فضل الله بن علی راوندی کاشانی، ترجمه و تحقیق: احمد صادقی اردستانی، تهران، بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانپور، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
- النهاية فی غریب الحديث و الأثر، مبارک بن محمد ابن اثیر، تحقیق: محمود محمد طناحی و طاهر احمد زاوی، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ ش.